

غذای خدایان



نویسنده: ترنس مک کنا

مترجم: عرفان گ.م.پ

غذای خدایان

غذای خدایان

کاوشی درباره سرچشمه درخت دانش

تاریخ بنیادین گیاهان، مخدرها و تکامل انسان

ترنس مک کنا

مترجم: عرفان گ.م.پ

۱۴۰۱

Food of the Gods - The Search for the Original Tree of Knowledge

First Published in the US in 1992 by Bantam Books, New York

Reprinted 1994 in England by Clays Ltd, St Ives plc

چاپ اول؛ آمريکا، نيويورک - سال ۱۹۹۲

« تمدن از آنجا آغاز شد که انسان به جای سنگ، کلمه پرتاب کرد.»
- زیگموند فروید

مقدمه مترجم

در ابتدا بسیار مفتخرم که توانسته‌ام چنین کتاب ارزشمندی را برای اولین بار به زبان فارسی برگردان کنم. چرا که اطلاعات قابل توجه و البته مهم، دقیق، علمی و گفته نشده‌ای را که دولت‌ها و نظام‌های آموزشی هیچگاه زبان به بازگو کردن آن نگشوده‌اند، در این کتاب آمده است. کتابی که اینک پیش روی شماست، حاصل یکسال و چند ماه تلاش بی‌وقفه‌ام در این زمینه بوده است.

کتابی که در اوایل که خواندم هدفی برای انتشارش نداشتم؛ اما هرچه بیشتر پیش رفت، مصمم شدم که این اثر را در قالب کتاب منتشر کنم. چون یکی از تاثیرگذار و حقیقی‌ترین اثرهایی بود که در زندگی با آن روبرو شده‌ام. در این کتاب خواننده با موضوعاتی از قبیل تاثیر مخدرها (عمدتاً گیاهی) بر رشد فرهنگ‌ها، جوامع، افراد و حتی فرگشت انسان حیوانی به انسان خردمند امروزی روبرو خواهد شد. در ادامه با نحوه شکل‌گیری و تغییر ادیان از اشکال اولیه‌اش تا عصر حاضر، استفاده و نقش بعضی مخدرها در خودکامی و رشد شخصی انسان‌ها تا تبدیل شدنشان به سلاح‌ها و ابزارهایی برای کنترل، سرکوب و استعمار جوامع و مردمان دیگر توسط فرهنگ‌های سلطه‌گر به بحث گذاشته شده است.

این کتاب که برجسته‌ترین اثر ترنس کمپ مک‌کنا (۱۹۴۶-۲۰۰۰) متخصص مردم‌گیاه‌شناسی، عارف، شمن‌باور، سخنران برجسته و نویسنده است، که یکبار برای همیشه موضوع و جایگاه مخدرها در زندگی و باورمان را از ابتدا تا به امروز بررسی و شفاف‌سازی می‌کند. لازم به ذکر است که بیشتر توضیحات داده شده در این کتاب از وقایع اتفاق افتاده در کشور آمریکا و فرهنگ آن مکان نام برده شده است. در آخر هیچ‌گونه تبلیغ، تشویق یا منعی به استفاده کردن یا نکردن مواد ذکر شده در این اثر نداشته و مسئولیت استفاده‌ی هر

کدام از آنها بر عهده‌ی مصرف‌کننده می‌باشد. باشد که قدمی در جهت آگاهی هرچه بیشتر شما مخاطبان عزیز برداشته شود.

یکم بهمن‌ماه ۱۴۰۰ خورشیدی

قدردانی‌ها

مایلم از دوستان و همکارانم برای صبوری و تشویقشان در نوشتن این کتاب تشکر کنم، به ویژه رالف آبراهام، روپرت شلدریک، رالف متزنر، دنیس مکننا، کریس هریسون، نیل هاسال، دن لوی، ارنست واولو، ریچارد برد، روی و دایان تاکمن، فاستین بری و برایان والاس، و ماریون و آلن هانت-بادینر. همچنین متشکرم از خبرنگاران دکتر الیزابت جاد و مارک لامورو که اطلاعات مفیدی را ارائه دادند. هر کدام سهم منحصر به فرد خود را در تفکر من داشتند، اگرچه نتیجه‌گیری‌هایم برای دفاع از خودم است. کلکسیونر و دوستم مایکل هوروویتز سهم عمیقی در این کار داشت. او نسخه خطی را به دقت خواند و نقد کرد و آرشیو تصویری کتابخانه یادبود فیتز هیو لادلو را در دسترس قرار داد که بدین ترتیب جنبه بصری استدلال من را به شدت غنی کرد. از مایکل و دولس مورفی، استیو و آیتا دونووان، نانسی لاننی، پل هربرت، کاتلین اوشانسی و تمامی مؤسسه اسالین به خاطر فرصتی که فراهم کردند تا در ژوئن ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ محقق اسالین باشم قدردانی می‌شود. بخش‌هایی از این کتاب در آن دوره‌های اقامتی نوشته شده است. همچنین با تشکر از لو و جیل کارلینو و رابرت چارترف، دوستان صبوری که به بخش‌هایی از این کتاب حتی بدون اینکه متوجه شده باشند، گوش سپردند. همسرم کیت، کاتلین هریسون مک‌کنا، مدت‌هاست که اشتیاق من به اقیانوس روانگردان‌ها و ایده‌هایی که در آنجا شنا می‌کنند را به اشتراک گذاشته است. در سفرهایمان به آمازون و جاهای دیگر، او بهترین همراه، همکار و انگیزه ممکن بوده است. کیت و دو فرزندم، فین و کلیا، از طریق نوشتن این کتاب از من حمایت کردند، اما از روحیات گوناگون و دوره‌های طولانی بدخلقی نویسنده در امان بودند. من عمیق‌ترین عشق و قدردانی خود را به آنها تقدیم می‌کنم. ممنون از حضورتان بچه‌ها. تشکر ویژه از زلی مردیت، ویراستارم در کتاب‌های

انتشارات بَنتَم، و دستیارش، کلودین مورفی. اعتقاد بی‌پرده آنها به اهمیت این ایده‌ها، منبع الهام‌بخشی بود برای شفاف‌سازی و گسترش تفکر در حوزه‌های جدید. همچنین از وکیل، جان براکمن، تشکر می‌کنم، که من را از طریق شروع ویژه‌ای که فقط «باشگاه واقعیت» می‌تواند انجام دهد، هدایت کرد. در نهایت می‌خواهم بدهی عمیق خود را به جامعه روانگردان، صدها نفری که در طول عمری که در تعقیب حتی نگاهی به ملک طاووس^۱ گذرانده‌ام که افتخار من بوده است، بپذیرم. این شمن‌ها در میان ما هستند، چه باستانی و چه مدرن، کسانی که چشمانشان به مناظری خیره شده است که قبلاً توسط کسی دیده نشده بود، آنها بودند که راه را نشان دادند و الهام‌بخش من بودند.

^۱ در زبان انگلیسی به عنوان فرشته طاووس ترجمه شده، یکی از چهره‌های اصلی ایزدیان است. در داستان خلقت یزیدی، بر اساس عقیده یزیدی‌ها، خداوند هفت فرشته را برای اداره زمین خلق کرد که ملک طاووس در رأس آنان قرار دارد.

فهرست

مقدمه: بیانیه‌ای برای تفکر جدید در مورد مخدرها / ۱۳
یک ارزیابی مجدد دردناک • احیای باستانی • مانیفستی جدید • وراثت سلطه‌گر

فصل اول: بهشت / ۲۱

۱. شمنیسم: آماده‌سازی صحنه / ۲۳
شمنیسم و دین رایج • تکنیک‌های خلسه • جهانی از جنس زبان • واقعیت ابعاد بالاتر • یک الگوی فرهنگی شمنی • شمنیسم و جهان باستانی از دست‌رفته

۲. سحر و جادو در مواد غذایی / ۳۳
داستان پشمالوی نخستین • شما آنچه هستید که می‌خورید • همزیستی • دیدگاه جدیدی در سیر تکامل انسان • پیوند گمشده واقعی • سه گام بزرگ برای نژاد بشر • هدایت‌های روشن لامارک • سلایق اکتسابی

۳. کاوش درباره سرچشمه درخت دانش / ۴۷
توهم‌زها به‌عنوان پیوند گمشده حقیقی • در جستجوی درخت دانش • از بین بردن نامزدهای انتخابی

• گیاه آغازین • گیاهان توهّم‌زا چیستند؟ • ماورای دیگر

۴. گیاهان و نخستینیان: کارت پستالهایی از عصر حجر / ۵۷

ویژگی‌های منحصر به فرد انسان • قابلیت مغزی انسان • دگردیسی میمون‌ها
• ظهور ماقبل تاریخ تخیل انسان • الگوها و ادراک • کاتالیز خودآگاهی
• جسم کلمه را ساخت • زنان و زبان

۵. رشد‌گرایی به‌عنوان فرهنگ و آیین / ۶۹

خلسه • شمنیسم به عنوان کاتالیزور اجتماعی • یکتاپرستی • یکتاپرستی و سواسی • تمایلات جنسی
• باستانی • ایبوگاین در میان قبیله فنگ • تضادها در سیاست‌های جنسی

۶. مناطق مرتفع عدن / ۸۱

فلات تاسیلی • تمدن سرگرد • بهشت پیدا شد؟ • فرهنگ پیوند گمشده • سفر پیدایش آفریقا • چاتال
هویوک • تفاوت بسیار اساسی • ذهنیت گیاهی • کل نگری گایان

فصل دوم: بهشت گم شد / ۱۰۷

۷. در جستجوی سوما: معمای ارزشمند ودایی / ۱۰۹

تماس با ذهنیت ماورای طبیعت • سوما چیست؟ • هاوما و زرتشت • هاوما و هارمالین • نظریه آمانیتای
واسون‌ها • مخالفت با استدلال قارچ مگس • واسون: تناقضاتش و سایر نامزدهای قارچی برای سوما
• اسپند به‌عنوان سوما • سوما به عنوان خدای مذکر ماه • سوما و احشام [مخصوصاً گاو] • تردیدهای
واسون • استدلالی قابل قبول تر • هندواروپاییان

۸. گمانه‌زنی‌ها در عدن: کرت مینوی و رمز و راز الوسینیان / ۱۳۱

رهایی از رمز و راز • سقوط چاتال هویوک و عصر آغاز عصر شاهنشاهی • فانتزی قارچ مینوی • افسانه
گلوکوس • غسل و تریاک • ارتباط دیونیزوس • السرار الوسیس • معمایی روانگردان؟ • نظریه آبجوی
حاصل از ارگوت • نظریه سیلوسایبین گریوز • نقطه عطفی تاریخی

۹. الکل و کیمیاگری تقطیری / ۱۴۵

اندوه جدایی از بهشت • الکل و غسل • شراب و زن • مخدرهای طبیعی و آزمایشگاهی • کیمیاگری و
الکل • الکل به‌عنوان مصیبت • الکل و زنانگی • کلیشه‌های جنسی و الکل

۱۰. سرایندگان رویایی: شاهدانه و فرهنگ / ۱۵۷

- حشیش • اسکیت‌ها • هند و چین • حشیش به‌عنوان سبکی فرهنگی • شاهدانه کلاسیک
- شاهدانه و زبان داستانی • شرق شناسی و شاهدانه در اروپا • شاهدانه و آمریکای قرن نوزدهم •
- نگرش‌های در حال تکامل مخدرها • فیتز هیو لادلو • شاهدانه در قرن بیستم

فصل سوم: جهنم / ۱۷۱

۱۱. رضایت‌مندی از لباس‌های راحتی: شکر، قهوه، چای و شکلات / ۱۷۳

- گسترش ذائقه‌مان • زندگی بدون ادویه • ورود شکر • شکر به عنوان اعتیاد • شکر و برده داری • شکر
- الگوی سلطه‌گر • مخدرهای طبقه‌ی اشراف • قهوه و چای: جایگزین‌هایی جدید برای الکل • چای،
- انقلابی می‌کند • چرخه‌های استثمار • قهوه • برعلیه قهوه • شکلات

۱۲. دودش به چشم خودتان می‌رود: تریاک و دخانیات / ۱۸۹

- نگرش‌های متناقض • معرفی سیگار کشیدن به اروپا • فریب باستانی تریاک • تریاک شیمیایی •
- تنباکوی احیا شده • دخانیات شمنی • تنباکو به عنوان دارویی تقلبی • بر علیه تنباکو • دخانیات پیروزمند
- جنگ‌های تریاک • تریاک و سبک فرهنگی: د کوئینسی • آغاز روان‌داروشناسی

۱۳. صنعتی‌ها: هروئین، کوکائین و تلویزیون / ۲۰۷

- مواد مخدر سخت • کوکائین: وحشت سفیدی • مزیت کوکائین • تشنج ضد مخدر مدرن • مواد مخدر
- و دولت‌ها • مواد مخدر و سرویس اطلاعات بین المللی • مخدرهای الکترونیکی • سلاح پنهان

فصل چهارم: بهشت دوباره پیدا شده است؟ / ۲۲۱

۱۴. مختصری از تاریخچه روانگردان‌ها / ۲۲۳

- توهم‌زاهای دنیای جدید • آیا هواسکا • پدر روانپزشکی • لذت‌های مسکالین • رنسانسی مدرن • زمزمه
- یک جهان قارچی جدید • اختراع ال‌اس‌دی • جعبه پاندورا باز شد • ال‌اس‌دی و روانگردان دهه شصت
- ریچارد شولتز و گیاهان توهم‌زا • لیری درهاروارد • سیلوسایبین: روانگردان‌ها در دهه هفتاد •
- پیامدهای روانگردان • آگاهی عمومی از مسئله

۱۵. چشم به راه بهشت باستان / ۲۴۵

گزینه‌های دنیای واقعی • سرگذشت ترییتامین‌های توهم‌زا • چه حسی دارد؟ • مواجهه با پاسخ • بررسی هشت پا • هنر و انقلاب • گسترش آگاهی • جنگ مخدری • فرا فضا و آزادی انسان • چه جدیدی اینجاست • تجربه DMT • فرا فضا و قانون • برخوردها با فراذهنیتی چشمگیر • بازیابی ریشه‌هایمان • مداخله اصولگرایان • موضوع قانونی شدن • پیشنهادی متواضعانه

سخن آخر: نگاه به بیرون و درون دریایی از ستاره / ۲۶۷

اگر ما نه، چه کسی؟ اگر حالا نه، پس کی؟ • یافتن راه خروج • از علفزارها تا سفینه فضایی • ما در چشم‌انداز منتظر خودمان هستیم

مقدمه

بیانیه‌ای برای تفکر جدید در مورد مخدرها

یک کابوس، فرهنگ سیاره‌ای ما را آزار می‌دهد؛ و آن کابوس مواد مخدر است. به نظر می‌رسد تعریف کرامت انسانی که توسط رنسانس ایجاد شد و به ارزش‌های دموکراتیک تمدن مدرن غربی تبدیل شد، در حال انحلال است. رسانه‌های بزرگ با حجم بالا به ما اطلاع می‌دهند که ظرفیت انسان برای رفتار وسواسی و اعتیاد، پیوندی شیطانی با داروشناسی، بازاریابی و حمل‌ونقل پرسرعت مدرن ایجاد کرده است. آشکال استفاده از مواد شیمیایی که قبلاً مبهم بودند، اکنون آزادانه در یک بازار جهانی عمده‌تأ کنترل نشده رقابت می‌کنند. کل دولت‌ها و ملت‌ها در جهان سوم در دام کالاهای قانونی و غیرقانونی‌ای هستند که رفتارهای وسواسی را ترویج می‌کنند. این وضعیت جدیدی نیست، اما در حال وخیم شدن است. تا همین اواخر کارتل‌های بین‌المللی مواد مخدر مخلوقات مطیع دولت‌ها و سازمان‌های اطلاعاتی بودند که در جست‌وجوی منابع پولی «نامرئی» بودند تا با آن رفتار وسواسی نهادینه شده، خود را از نظر مالی تأمین کنند. امروزه، این کارتل‌های مواد مخدر، از طریق افزایش بی‌سابقه تقاضا برای کوکائین، به گول‌های سرکشی تبدیل شده‌اند که حتی سازندگانشان در برابر قدرتشان شروع به ناراحتی کرده‌اند. ما گرفتار مناظر غم‌انگیز «جنگ‌های مواد مخدر» هستیم که توسط نهادهای دولتی‌ای به راه انداخته می‌شوند که معمولاً به دلیل رخوت و ناکارآمدی فلج شده‌اند یا در تبانی شفاف با کارتل‌های بین‌المللی مواد مخدر هستند که علناً متعهد به نابودیشان هستند. هیچ نوری نمی‌تواند در این وضعیت مصرف و سوء مصرف مواد مخدر همه گیر نفوذ کند، مگر اینکه ما یک ارزیابی مجدد با چشمانی واقف به وضعیت فعلی خود و بررسی برخی از الگوهای قدیمی تقریباً فراموش شده، تجربه و رفتار مرتبط با مواد مخدر انجام دهیم. اهمیت این وظیفه را نمی‌توان نادیده گرفت. بدیهی است که مصرف خودسرانه مواد روانگردان،

قانونی و غیرقانونی، به طور فزاینده‌ای بخشی از گسترش فرهنگ جهانی در آینده خواهد بود.

یک ارزیابی مجدد دردناک

هرگونه ارزیابی مجدد درباره استفاده مان از مواد باید با مفهوم عادت، یعنی «یک گرایش یا عمل ثابت» آغاز شود. عادات‌های آشنا، تکراری و تا حد زیادی بررسی نشده، به سادگی کارهایی هستند که ما انجام می‌دهیم. یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «مردم مخلوقات عادت هستند.» فرهنگ عمدتاً یک عادت است که از والدین و اطرافیانمان آموخته می‌شود و سپس با تغییر شرایط و نوآوری‌های الهام گرفته به آرامی اصلاح می‌شود. با این حال، هرچقدر هم که این تغییرات فرهنگی آهسته به نظر برسند، وقتی با تغییر شکل آهسته‌تر یخساره‌های طبیعی، گونه‌ها و اکوسیستم‌ها در تضاد باشد؛ فرهنگ، نمایشی طوفانی و تازگی مداومی را به نمایش گذاشته است. اگر طبیعت نمایانگر یک اصل اقتصاد است، پس فرهنگ باید از طریق افراط، اصل نوآوری را مثال بزند. وقتی عادات ما را می‌بلعند، وقتی وفاداری ما به آنها از هنجارهای تعریف شده فرهنگی فراتر می‌رود، آنها را وسواس می‌نامیم. ما در چنین شرایطی احساس می‌کنیم که گویی بُعد منحصر به فرد انسانی اراده‌ی آزاد به نحوی نقض شده است. تقریباً می‌توانیم نسبت به هر چیزی وسواس پیدا کنیم: الگوی رفتاری مانند خواندن روزنامه صبح یا اشیاء مادی (گردآورندگی)، زمین و دارایی (امپراتوری‌سازی)، یا تسلط بر افراد دیگر (سیاستمداری). در حالی که بسیاری از ما ممکن است گردآورنده باشیم، تعداد کمی از ما این فرصت را داریم که وسواس‌های خود را تا حد تبدیل شدن به سازندگان امپراتوری یا سیاستمداران در اختیار داشته باشیم. وسواس‌های یک فرد معمولی تمایل دارد بر اینجا و اکنون متمرکز شود، بر قلمرو ارضای آنی از طریق رابطه جنسی، غذا و مخدرها.

وسواس نسبت به ترکیبات شیمیایی غذاها و مخدرها اعتیاد نامیده شده است. اعتیاد و وسواس منحصر به انسان نیست. بله، شواهدی فراوان از وجود ترجیح حالت‌های مستی در میان فیل‌ها، شامپانزه‌ها و برخی پروانه‌ها حکایت می‌کند. اما وقتی توانایی‌های زبانی شامپانزه‌ها و دلفین‌ها را با گفتار انسان مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که این رفتارهای حیوانی بسیار متفاوت از رفتارهای انسانی است. خو گرفتن. وسواس. اعتیاد. این کلمات نشانه‌های مسیری هستند که اراده آزاد روز به روز در حال کاهش است. انکار قدرت اراده آزاد در مفهوم اعتیاد مستتر است و در فرهنگ ما^۱ به اعتیادها به طور جدی نگریسته می‌شود، به‌ویژه اعتیادهای عجیب و غریب یا ناآشنا. در قرن نوزدهم، فرد معتاد به تریاک «شیطان تریاک» نام داشت؛ توصیفی که به ایده تسخیر شیطانی توسط یک نیروی کنترل‌کننده بیرونی بازمی‌گردد. در قرن بیستم، معتاد به عنوان فردی تسخیر شده با مفهوم اعتیاد به عنوان بیماری، جایگزین شده است. و با مفهوم اعتیاد به عنوان بیماری، نقش اراده آزاد در نهایت به نقطه محو شدن کاهش یافت. به هر حال، ما در قبال بیماری‌هایی که ممکن است به ارث

^۱ اشاره به آمریکا م.

ببریم یا ایجاد کنیم، مسئول نیستیم. اما امروزه وابستگی شیمیایی انسان نقش آگاهانه‌تری نسبت به قبل در شکل‌گیری و حفظ ارزش‌های فرهنگی ایفا می‌کند. از اواسط قرن نوزدهم و با سرعت و کارایی بیشتر، شیمی آلی در دستان محققان، پزشکان و در نهایت همه، قرنیه بی‌پایانی از مخدرهای مصنوعی را در اختیار گرفت. این مخدرها قوی‌تر، مؤثرتر، ماندگارتر و در برخی موارد، چندین برابر بیشتر از بستگان طبیعی خود اعتیادآور هستند. (در این مورد کوکائین یک استثناء است، چرا که محصولی طبیعی‌ست، اما وقتی تصفیه، تغلیظ و تزریق می‌شود بطور ویژه‌ای مخرب است.) ظهور فرهنگ اطلاعاتی جهانی منجر به فراگیر شدن اطلاعات در مورد موارد تفریحی، تقویت‌کننده جنسی، تحریک‌کننده، آرام‌بخش و گیاهان روانگردانی شده است که توسط انسان‌های کنج‌کاو ساکن در نقاط دورافتاده و نامرتبط کره زمین در گذشته، کشف شده‌اند. همزمان با ورود این سیل اطلاعات گیاه‌شناسی و مردم‌شناسی به جامعه‌ی غربی، عادات، فرهنگ‌های دیگر را به خود پیوند زد و به ما بیش از پیش انتخاب‌های بزرگتری داد. گام‌های بزرگی که در سنتز مولکول‌های آلی پیچیده و درک ماشین مولکولی ژن‌ها و وراثت این بینش‌ها و فناوری‌های جدید به فرهنگ بسیار متفاوتی از مهندسی روان‌داروشناسی کمک کردند. مخدرهای طراح مانند ام‌دی‌ام‌ای (MDMA)، یا اکستازی، و استروئیدهای آنابولیک که توسط ورزشکاران و نوجوانان برای تحریک رشد عضلانی استفاده می‌شوند، منادی دوره مداخله دارویی مکرر و مؤثرتر در ظاهر، عملکرد و احساس ما هستند. مفهوم تنظیم، در مقیاس سیاره‌ای، ابتدا صدها و سپس هزاران ماده مصنوعی که به راحتی تولید می‌شوند، اما بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند، برای هرکسی که به آینده‌ای بازتر و کمتر سازمانده‌ی شده امیدوار است، وحشتناک است.

احیای باستانی

این کتاب امکان احیای نگرش باستانی یا ماقبل صنعتی و پیش‌الفبایی نسبت به جامعه، مصرف مواد و طبیعت را بررسی می‌کند، نگرشی که پیش از ظهور سبک فرهنگی کنونی که ما آن را «غربی» می‌نامیم، مدت‌ها و به خوبی به اجداد ما قبل تاریخ عشایری خدمت کرده است. باستان به دوران پارینه سنگی فوقانی اشاره دارد، دوره‌ای از هفت تا ده هزار سال پیش، درست قبل از اختراع و اشاعه کشاورزی. دوران باستان دوران دامداری عشایری و مشارکتی بود، فرهنگی مبتنی بر پرورش دام، شمنیسم و پرستش الهه. من بحث را تقریباً به ترتیب زمانی سازماندهی کرده‌ام و آخرین و آینده‌نگرترین بخش‌ها و موضوعات کهن، فصل‌های اولیه را دربرمی‌گیرند و از نو می‌سازند. بحث در امتداد مسیرهای سفر یک مسافر دارویی پیش می‌رود. بنابراین کتاب را به چهار بخش «بهشت»، «بهشت گمشده»، «جهنم»، و البته نه چندان خوشبینانه، «بهشت بازیابی شده» نامگذاری کرده‌ام. بدیهی است که نمی‌توانیم با همان روش‌های قدیمی به مصرف مخدرها فکر کنیم. به عنوان جامعه‌ای جهانی، ما باید یک تصویر هدایت‌گر جدید برای فرهنگ خود بیابیم، تصویری که آرزوهای بشریت را با نیازهای این کره خاکی و فرد یکی کند. تحلیل ناقص وجودی درونمان که ما را به ایجاد روابط وابستگی

و اعتیاد به گیاهان و مواد مخدر سوق می‌دهد، نشان می‌دهد که در ابتدای تاریخ، چیزی گران‌بها را از دست داده‌ایم که نبود آن ما را به خودشیفتگی مبتلا کرده است. تنها بازیابی رابطه‌ای که ما با طبیعت از طریق استفاده از گیاهان روانگردان قبل از سقوط به تاریخ ایجاد کرده‌ایم، می‌تواند به ما امید آینده‌ای انسانی با پایانی باز را پیشنهاد دهد. پیش از اینکه به طور غیرقابل برگشتی خود را متعهد به خیال واهی فرهنگی عاری از مواد مخدر کنیم که به قیمت کنار گذاشتن کامل آرمان‌های یک جامعه سیاره‌ای آزاد و همگانی تمام شده است، باید سؤالات اساسی‌ای بپرسیم: چرا به عنوان یک گونه، اینقدر مجذوب حالات تغییر یافته هشیاری هستیم؟ تأثیر آنها بر امیال زیبایی شناختی و معنوی ما چه بوده است؟ با انکار مشروعیت تمایل هر فرد به استفاده از مواد برای تجربه شخصی ماورایی و مقدس چه چیزی را از دست داده‌ایم؟ امیدوارم که پاسخ به این سؤالات ما را وادار کند که با پیامدهای انکار بُعد معنوی طبیعت روبرو شویم، زیرا طبیعت را چیزی جز «منبعی» که باید بر سر آن جنگید و غارتش کرد، نمی‌بینیم. بحث آگاهانه در مورد این موضوعات تحت هیچ شرایطی، کنترل کردن مشغله‌های ذهنی را آسوده نخواهد گذاشت و هیچ آسایشی برای بنیادگرایی چهل مذهبی و فاشیسم یکپارچه شده، به همراه نخواهد آورد.

این سوال که ما، به عنوان یک جامعه و به عنوان افراد، چگونه با گیاهان روانگردان در اواخر قرن بیستم ارتباط برقرار می‌کنیم، سوال بزرگتری را مطرح می‌کند: چگونه، در طول زمان، ما توسط اتحادهای در حال تغییری که با اعضای مختلف جهان نباتی شکل داده و شکسته ایم، درحالی که راه پر پیچ و خمی را در طول تاریخ گذرانده‌ایم، ایجاد کرده‌ایم؟ این سوالی است که در فصول بعدی ما را با جزئیات به خودش مشغول خواهد کرد.

نخستین اسطوره فرهنگ ما با خوردن میوه درخت دانش در باغ عدن آغاز می‌شود. اگر از گذشته خود درس بگیریم، این داستان، می‌تواند با سیاره‌ای مسموم شده، جنگل‌های به یاد پیوسته، انسجام بیولوژیکی در هم شکسته و میراث تولدمان که یک زمین بایر خفه شده است، به پایان برسد. اگر در تلاش‌های قبلی خود برای درک منشأ و مکان خود در طبیعت چیزی را نادیده گرفته باشیم، آیا اکنون در موقعیتی هستیم که به گذشته نگاه کنیم و نه تنها گذشته، بلکه آینده خود را به روشی کاملاً جدید درک کنیم؟ اگر بتوانیم حس از دست رفته طبیعت را به عنوان رازی زنده بازیابی کنیم، می‌توانیم از دیدگاه‌های جدیدی در مورد ماجراجویی فرهنگی که مطمئناً باید در پیش باشد، اطمینان حاصل کنیم. ما این فرصت را داریم که از پوچ‌گرایی تاریخی تیره و تار که مشخصه حاکمیت فرهنگ عمیقاً مردسالار و سلطه‌گرم‌ان است، فاصله بگیریم. ما در موقعیتی هستیم تا درک دیرینهء رابطه نزدیک همزیستی خود با گیاهان روانگردان را به عنوان سرچشمه‌ای از بینش و هماهنگی که از دنیای نباتی به دنیای انسانی جریان می‌یابد، به دست آوریم.

رمز و راز هشیاری‌مان و قدرت بازتاب‌مان به نوعی با این کانال ارتباطی ذهن پنهانی که شمن‌ها اصرار دارند روح دنیای زنده طبیعت است مرتبط می‌باشد. برای شمن‌ها و فرهنگ‌های شمنی، کاوش در این راز همیشه جایگزین معتبری برای زندگی در فرهنگ ماتریالیستی محدود بوده است. ما از دموکراسی‌های صنعتی می‌توانیم اکنون این ابعاد ناآشنا را کشف کنیم یا می‌توانیم منتظر بمانیم تا پیشروی نابودی سیاره زنده همه کاوش‌های بیشتر را بی‌ربط کند.

مانیفستی جدید

بنابراین زمان آن فرا رسیده است که در گفتمان طبیعی بزرگی که تاریخ ایده‌ها است، به طور کامل در مورد شیفتگی خود به استفاده همیشگی از گیاهان روانگردان و فیزیواکتیو تجدید نظر کنیم. ما باید از افراط‌های گذشته، به‌ویژه دهه ۱۹۶۰ درس بگیریم، اما نمی‌توانیم به سادگی از «فقط نه بگو» حمایت کنیم تا بتوانیم از «امتحان کن، خوش می‌آید» دفاع کنیم. ما نمی‌توانیم از دیدگاهی حمایت کنیم که بخواهد جامعه را به دو دسته کاربر و غیرکاربر تقسیم کند. ما به رویکردی جامع برای این پرسش‌ها نیاز داریم که مفاهیم تکاملی عمیق‌تر و تاریخی را در برگیرد. تأثیر رژیم غذایی بر انسان‌های اولیه و تأثیر متابولیت‌های عجیب و غریب بر تکامل شیمی عصبی و فرهنگ آن‌ها محدوده‌هایی هستند که هنوز مطالعه نشده است. اتخاذ یک رژیم غذایی همه‌چیزخوار توسط انسان‌های اولیه و کشف قدرت برخی از گیاهان، عوامل تعیین‌کننده‌ای در انتقال انسان‌های اولیه از جریان تکامل حیوانات به سمت جزر و مد زبان و فرهنگ بود. اجداد دور ما کشف کردند که گیاهانی خاص، زمانی که خودتجویزی شوند، اشتها را سرکوب می‌کنند، درد را کاهش می‌دهند، انرژی ناگهانی‌ای را ایجاد می‌کنند، در برابر عوامل بیماری‌زا ایمنی ایجاد کرده و فعالیت‌های شناختی را هم‌افزایی می‌کنند. این اکتشافات ما را در سفری طولانی به سوی خودکاوی قرار دادند. هنگامی که ما تبدیل به موجوداتی که از ابزار استفاده می‌کنند و دارای رژیمی همه‌چیزخوار شدیم، خود تکامل از یک فرآیند آهسته برای اصلاح فرم فیزیکی‌مان به آشکارسازی سریع اشکال فرهنگی با بسط آیین‌ها، زبان‌ها، نوشتن، مهارت‌های یادآوری و فناوری تغییر کرد.

این تغییرات عظیم عمدتاً در نتیجه هم‌افزایی بین انسان‌ها و گیاهان مختلف که با آنها تعامل و تکامل یافته‌اند رخ داده است. یک ارزیابی صادقانه از تأثیر گیاهان بر پایه‌های نهادهای انسانی، آنها را کاملاً ابتدایی می‌داند. در آینده، استفاده از راه‌حل‌های پایدار با الهام از گیاه‌شناسی، مانند توقف رشد جمعیت، استخراج هیدروژن از آب دریا، و برنامه‌های بازیافت عظیم، ممکن است به سازماندهی مجدد جوامع و سیاره ما به امتداد راه‌های جامع‌تر، آگاهی از محیط زیست و نوپاستان کمک کند.

سرکوب شیدایی طبیعی انسان نسبت به حالات تغییریافته آگاهی و وضعیت خطرناک کنونی همه حیات روی زمین ارتباطی نزدیک و علی دارند. وقتی دسترسی به خلسه شمنی را سرکوب می‌کنیم، آب‌های با طراوت عاطفه را که از داشتن یک رابطه پیوندی عمیق و تقریباً همزیستی به زمین سرازیر می‌شود، می‌بندیم. در نتیجه، سبک‌های اجتماعی ناسازگاری که جمعیت بیش از حد، مدیریت نادرست منابع و مسمومیت محیطی را تشدید می‌کنند، در جهت حفظشان خود را توسعه می‌دهند. هیچ فرهنگی بر روی زمین به اندازه غرب صنعتی از نظر آسیب رسانی و ایجاد پیامدهای رفتاری ناسازگارانه به این شدت مخرب نبوده و نیست. ما در فضایی سورئال از بحران‌های فزاینده و تضادهای آشتی‌ناپذیر، این نگرش متداول را دنبال می‌کنیم. به عنوان یک گونه، ما باید عمق معضل تاریخی خود را بشناسیم. تا زمانی که به تحمل کاردینال‌های حکومت و علم که تصور می‌کنند کنجکاوای انسان کجا می‌تواند به‌طور مشروع توجه خود را متمرکز کند و کجا نمی‌تواند، به

بازی با نصف دسته کارت^۲ ادامه می‌دهیم. چنین محدودیت‌هایی در تخیل انسان تحقیرآمیز و مضحک است. دولت نه تنها تحقیقات روی روانگردان‌ها که به طور قابل‌تصوری می‌تواند بینش‌های روانشناختی و پزشکی ارزشمندی را به همراه داشته باشد را محدود می‌کند، بلکه فرض می‌کند باید از استفاده مذهبی و معنوی آنها نیز جلوگیری کند. استفاده مذهبی از گیاهان روانگردان یک موضوع حقوق مدنی است. محدودیت آن سرکوب یک حساسیت مشروع مذهبی است.

در واقع، این حساسیتی مذهبی نیست که سرکوب می‌شود، بلکه حساسیت مذهبی، تجربه‌ای از آیین مبتنی بر روابط گیاه و انسان است که مدت‌ها قبل از پیدایش تاریخ وجود داشته است. ما دیگر نمی‌توانیم ارزیابی مجدد صادقانه هزینه‌ها و مزایای واقعی استفاده همیشگی از گیاهان و مخدرها را در مقابل هزینه‌ها و مزایای واقعی سرکوب استفاده از آنها به تعویق بیندازیم. فرهنگ جهانی ما خود را در خطر تسلیم شدن در برابر تلاش اورول برای از بین بردن مشکل از طریق تروریسم نظامی و پلیسی که به سمت مصرف‌کنندگان مواد مخدر در جمعیت خودمان و تولیدکنندگان مواد مخدر در جهان سوم هدایت می‌شود، می‌بیند. این واکنش سرکوبگرانه تا حد زیادی توسط ترس بررسی نشده‌ای که محصول اطلاعات نادرست و جهل تاریخی است تقویت می‌شود. تعصبات عمیق فرهنگی توضیح می‌دهد که چرا ذهنیت غربی به طور ناگهانی در تصور مواد مخدر مضطرب و سرکوب می‌شود. تغییرات ناشی از مواد در آگاهی به طور چشمگیری نشان می‌دهد که زندگی ذهنی ما دارای پایه‌های فیزیکی است. بنابراین، داروهای روان‌گردان، فرض مسیحیت تخطی‌ناپذیر و وضعیت خاص هستی‌شناختی روح را به چالش می‌کشند. به طور مشابه، آنها ایده مدرن نفس و تخطی‌ناپذیری و ساختارهای کنترلی آن را به چالش می‌کشند. به طور خلاصه، مواجهه با گیاهان روانگردان کل جهان‌بینی فرهنگ سلطه‌گر را زیر سوال می‌برد. ما اغلب در این بازنگری تاریخ با این مضمون ایگو و فرهنگ سلطه‌گر مواجه خواهیم شد. در واقع، وحشتی که ایگو در اندیشیدن به انحلال مرزهای بین خود و جهان احساس می‌کند، نه تنها در پس سرکوب حالت‌های تغییر یافته آگاهی نهفته است، بلکه به طور کلی‌تر، سرکوب تجارب زنانه، بیگانه و عجیب و غریب و متعالی را توضیح می‌دهد. در دوران ماقبل تاریخ اما پسابستانی در حدود ۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، سرکوب جامعه مشارکتی توسط مهاجمان مردسالار زمینه را برای سرکوب تحقیقات تجربی بی‌پایان در مورد طبیعت که توسط شمن‌ها انجام می‌شد فراهم کرد.

در جوامع بسیار سازمان‌یافته، سنت باستانی جای خود را به سنت‌های دگمی، کشیشی، پدرسالاری، جنگ و در نهایت «عقلانی و علمی» با ارزش‌های سلطه‌گر داد. تا به اینجا من از اصطلاحات «مشارکت» و «سبک‌های سلطه‌گر» بدون توضیح استفاده کرده‌ام. من این اصطلاحات مفید را مدیون ریانه ایزلر و بازنگری مهم او از تاریخ، کتاب «جام و تیغه» هستم. ایزلر این تصور را مطرح کرده است که مدل‌های «مشارکتی» جامعه مقدم بوده و بعداً با آشکال «سلطه‌گر» سازمان‌دهی اجتماعی رقابت کرده و تحت ستم قرار گرفته‌اند. فرهنگ‌های سلطه‌گر سلسله‌مراتبی، پدرسالارانه، مادی‌گرایانه و تحت سلطه مردان هستند. ایزلر معتقد است که تنش بین سازمان‌های مشارکتی و سلطه‌گر و بیان بیش از حد الگوی سلطه‌گر، عامل بیگانگی ما از طبیعت، از خود و

^۲ کارت پاسور.م